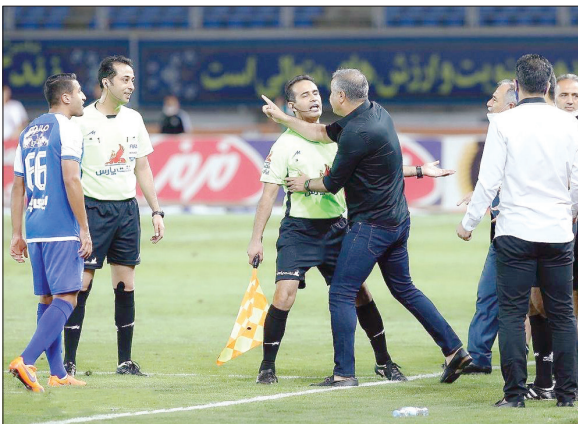




بد، زشت

بود. سرمربی تیم به مثابه الگوی ورزشی شمایل یک مشت زن تندخو به خود گرفت؛ در وضعیتی که تیمش پیروز مسابقه بود. او به احترام و اعتقاد به ماه محرم مشکي به تن کرده اما کنش های او به دور از آزادی و اخلاقیات دینی است. او پس از مسابقه دلیل تراشی های غیرعقلانی برای رفتار خود طرح کرد و ضمن عذرخواهی قول داد که این سنخ اعتراض ها تکرار نخواهد شد. زبانی آشنا در فرهنگ ایرانی که فقط تا مسابقه بعد دوام خواهد آورد و در غیاب اعمال انضباطی بُرنده و قاطع، این شأن قانون و حکم است که روزبه روز بیشتر تحلیل خواهد رفت. در ورزشگاه تماشاگری حضور نداشت و ندارد اما این رفتار و کنش های عجیب و غریب سرمربی دیده شد و همه اینها می تواند الگوی نادرستی برای جوانان فوتبالیست و مربیانی باشد که تازه کارند. قهرمانی به رسم و اصول ایرانی به مروت و جوانمردی است.

امری که دیری است در فوتبال ایرانی رخت بر بسته است و متصدیان امر، اصول پهلوانی و قنوت را از یاد برده اند. در کنار این قهرمانی این کادری های تیره و تاریک نیز در حافظه ورزش و فرهنگ جامعه ثبت شده و چنان لکه تاریکی فضای حرفه ای فعالیت ورزشی را غبار آلود ساخته و از همه بدتر به ورزشکاران جوان یاد می دهد که چطور می توان با قلندری و عریده کشی حق به جانب رفتار کرد و اصول را پایمال ساخت. تیم تراکتور درون زمین و مخصوصا در نیمه نخست برتر بود و به لحاظ فنی بر استقلال غلبه کرد اما نابخردی سرمربی، پیروزی این تیم را به حاشیه کشاند و پس از مسابقه نیز او را به کمیته انضباطی روانه ساخت و محرومیت برای ایشان رقم زد. تراکتور تبریز با افتخار قهرمان جام حذفی ایران شد و این قهرمانی جای تیریک و تهنیت داشته اما از دیگر سو رفتار سرمربی نیاز به مسئولیت پذیری و جبران مافات و سربه زیر انداختن تا مدت های طولانی دارد.

کنت، متیو (۱۳۹۶) ورزش محبوب ارسطو، در فوتبال و فلسفه، ترجمه عیسی عظیمی، نشر مرکز.

گلادیاتور آماده رزم است اما چه رزمی؟ فوتبال قرار بود نمود متمدنانه ستیزهای بشری باشد اما اینجا خشونت به شکل عربیانی جلوه گر شده است به صورتی که حتی عوامل انتظامی و ورزشی نیز قادر به انجام وظیفه خود در صحنه حادثه نیستند. جالب آنکه سرمربی خاطی به هیچ نحو نیز متقاعد نمی شود و حتی پس از اخراج نیز دست از حاشیه سازی برنمی دارد و از سویی دیگر به کادر دآوری حمله ور می شود. صورت او سرخ شده و فشارش یقیناً بالا رفته است. این همه خشم و خروش برای چه؟

به باور کنت (۱۳۹۶) «فوتبال خشونت عریان را در کمترین حالت ممکن نگه برپاشده است و این جنگ علنی و تلخ یک شخصیت اصلی دارد که می توان نام ضدقهرمان بر آن نهاد. ساکت الهامی. او برخلاف نامش نه متین است و نه رسم پهلوانی ورزش را حفظ کرده است

در یکی از فریم های عکس، توپ سفید فوتبال در کنار عکس رُخ می نماید. گویی آنچه دیگر اهمیت ندارد رقابت ساق ها و اراده ها و توپ فوتبال است و این مسائل جانبی است که به نتیجه نهایی سمت و سو می بخشد. در عکس یکی از اعضای کادر تیم تراکتور دست به کمر زده و حالت چشم انتظار دارد. دیگری ژست تأسف به خود گرفته است؛ گویی کارت قرمز داور را به سرمربی مشاهده کرده و پلیسی که ماسک بر صورت دارد نیز نظاره گر ماجراست. حقیقت آن است که سرمربی به سیم آخر زده و کنترل ناپذیر شده

درصد افروختن شعله های خشم و غضب و نارضایتی نسبت به تیم دآوری است. کنت معتقد است «مربیان فضیلت ها را ترویج می کنند و از بازیکنان می خواهند نظم و انضباط را رعایت کنند»؛ سرمربی تیم فوتبال وظیفه و کارکرد هدایت فنی و اخلاقی تیم را درون و بیرون زمین مسابقه بر عهده دارد اما در اینجا او خود نیازمند هدایت و کنترل است. ساکت الهامی در این مسابقه با عملکرد خود طعم برد را برای تیم خود گس کرد و تیم را دچار حواشی بسیار ساخت. در عکس ها زبان بدن او زبانی پر خاشجو و حمله ور است. همانطور که در پخش زنده تلویزیونی نیز شاهد آن بودیم او در ادامه گلایه های بی امان خود به داور حمله کرد و او را هل داد و تماس بدنی غیرقانونی با قاضی مسابقه برقرار کرد. در هر کدام از فریم های عکس حدود نه نفر حول سرمربی جمع شده اند. او نه تنها حواشی را جمع نکرد که خود از مسابقه اخراج شد و به رأی و قانون و اقتدار بی چون و چرای داور بی حرمتی کرد و از همین رو نیز مجبور شد در ادامه مسابقه روی سکو بنشیند و از آنجا جوش و خروش های خود را ادامه دهد. در یکی از عکس ها داور خط درصدد ایجاد مرز و سدی دفاعی روبه روی اوست. داور مسابقه اما به او لبخند می زند و سعی در کنترل هیجانات حاکم بر مسابقه، بیرون زمین و شخص سرمربی دارد. اضطراب داور در چهره او هویدا نیست اما وی عمیقاً تنهاست چون قضاوت و مسئولیت آن بر عهده اوست.

در عکس ها بازیکن استقلال در حاشیه عکس است و کادر تیم استقلال از حضور در این صحنه زشت به طرز حرفه ای و مسئولانه ای خودداری کرده اند. سرمربی فاقد ماسک است و یقه پیراهن خود را باز گذاشته و آستین ها را بالا زده است. او با زبان بدن به داور امرونی و تحکم می کند و به زمین چمن به صورت غیرقانونی پا گذاشته است. پا گذاشتن به درون مستطیل سبز استعاره ای از شکستن حریم قانون و حرمت داور است که این روزها در فوتبال ایران بازار گرمی دارد و در حال بدل شدن به یک قاعده شوم است. در فریمی دیگر از عکس ها سرمربی در حال فریاد کشیدن است و گویی چنان یک



آرش حسن پور
پژوهشگر مطالعات تصویری

عکس خارجی است. روی دوربین باز به سمت نیمکت مربیان است. بازی اصلی اینجاست نه درون زمین چمن ورزشگاه. رقابت بین سرمربی و داور مسابقه. اینجا استادپوم امام رضای مشهد (ع) است. جایی که فینال جام حذفی مردان ایران بین دو تیم استقلال تهران و تراکتور تبریز برگزار شد. نورهای موجود در عکس مصنوعی بوده و بازی شب هنگام و زیر نورافکن های استادپوم در حال برگزاری است. استقلال با شکست پرسپولیس در نیمه نهایی مدعی جام بود و تراکتور نیز با شکست دادن تیم نفت مسجدسلیمان با جمعی از ستارگان ملی پوش مهیای بازی فینال شد. در عکس های پیش رو سوت داور در بازی وقفه انداخته و هیاهویی به پا شده است. این قیل و قال از سمت نیمکت تیم تراکتور به وجود آمده است. حضار درون عکس دو طرف دعوا و مراقبه و عوامل مداخله گر و داور هستند. یکسو نیمکت تراکتور و کادر فنی این تیم است و سوی دیگر کادر دآوری. حضار دیگر عکس که کت و شلوار بر تن دارند نیز با تلاش زیاد در پی ریختن آبی روی آتش هستند و خود را بین داور و سرمربی و کادر تیم تراکتور سپر کرده اند. مسئول مسابقات که از عوامل فدراسیون است نیز در صدد آتش پس است.

به باور کنت (۱۳۹۶) «فوتبال خشونت عریان را در کمترین حالت ممکن نگه می دارد» اما اینجا جنگی غیر متمدنانه برپاشده است و این جنگ علنی و تلخ یک شخصیت اصلی دارد که می توان نام ضدقهرمان بر آن نهاد. ساکت الهامی. او برخلاف نامش نه متین است و نه رسم پهلوانی ورزش را حفظ کرده است. او در فریم های مختلف عکس های پیش رو چنان آتش بیار معرکه